

پرسش‌وگزینش‌ها!

درس اول

الحمد لله رب العالمين

«حسن بصری زاهد و عالم و تابعی معروف، از روزگار و از معاشران خود کله کرد و گفت چه گناهی کرده بودم بود گفت ای شیخ! پس اصحاب رسول خدا چه گناهی کرده بودند که آنان را به محروم ماندن از صحبت رسول و زیستن با مانند شما کیفر دادند.

همچنین از عایشه روایت می‌کند که گفت: خوش به حال لبید، اگر زمان مارادیده بود چه می‌گفت؟ غروره که این حدیث را روایت می‌کند، گفت: خدا عایشه را بیامزد، اگر زمان مارادیده بود چه می‌گفت؟ دیگری پس ازو گفت: خدا عروه را بیامزد اگر زمان مارادیده بود چه می‌گفت؟ زبیدی راوی پس ازو گفت: خدارحمت کند زهری را اگر زمان مارادیده بود چه می‌گفت؟ محمدبن مهاجر گفت: خدارحمت کند زبیدی را؛ اگر عصر مارادیده بود چه می‌گفت؟ عثمان بن سعید گفت: خدارحمت کند محمدبن مهاجر را؛ اگر عصر مارادیده بود چه می‌گفت؟ ابوحیمید گفت؟ خداعثمان را رحمت کند اگر عصر مارادیده بود چه می‌گفت و من که این جریر طبری هستم می‌گوییم: خدا می‌بینیم همه این بزرگان از نسل نو شکایت دارند و می‌پندازند نسل گذشته در رعایت اصول اخلاق و عمل به احکام دین بر جوانان معاصر آنان برتری داشته است.

اما ایا ما می‌توانیم مثلاً نسلی را که با آخرین راوی حدیث یعنی ابن جریر می‌زسته بی‌دین یا فاسد‌الاخلاق یا گستاخ و عاری از تربیت درست بدانیم؟ هر کجا مادر عمل می‌بینیم هر یکی از این پنج تن که نماینده نسل گذشته بوده‌اند و می‌دیده‌اند که نسل نو سنت‌ها و رسم‌های آنان را نمی‌پذیرد و راهی جدگانه در پیش گرفته است خشمگین شده و آنان را به بادانتقاد گرفته است و بر گذشته‌ای که خود در آن تربیت شده درین می‌خورد. هر گاه در چنان عصری که جامعه‌ها از یکدیگر جدا می‌زیسته‌اند و یا لاقل ارتباطی را که امروز با هم دارند نداشته‌اند، نسل سالخورده درباره نسل نو چنین قضاوتی کرده است، معلوم است که این داوری در عصر ما چگونه خواهد بود. بی‌گمان بین عصر ما و ابن جریر شکافی بزرگ وجود دارد اما نه شکافی که زمان آن را پدید آورده باشد؛ این فاصله را هم‌بستگی مردم این عصر بایکدیگر پدید آورده است.

در عصر ما دنیا تقریباً به صورت یک واحد اجتماعی درآمده است. آنچه در دنیای غرب رواج می‌یابد، شرق آن را تقلید می‌کند. چرا؟ شاید فقط به خاطر آن که به گمان او غرب پیش‌رفته است، یا شاید برای آن که نگویند از قافله روشنگری عقب‌مانده است. پس می‌توانیم بگوییم این مشکل گذشته‌از آن که مشکل عصر ما هاست مشکل اجتماعی ما هم هست. مشکل همه ملت‌ها و همه کشورها، مشکل همه جهان، مشکل غرب پیش‌رفته و شرق به اصطلاح عقب‌مانده و به قول معروف «به هر کجا که روی آسمان همین رنگ است».

حالا اگر کسی یا کسانی پای‌بند مقررات دینی باشند و بخواهند بدانند دین در این باره چه نظری دارد و پیروی نسل نو را از سنت‌ها و ادب گذشتنگان تاچه حد لازم می‌داند و تاچه اندازه به آنان استقلال در عمل و ازادی در اتخاذ تصمیم می‌دهد، باید چه کنند؟ آیا مانند این حریر و آنان که پیش از وی بودند، هر نسل سالخورده باید نسل نو را از خود براند و آنان را از خویشتن جدا بداند و بگویید: افسوس که مردان مسلمان همه رفندند؛ اگر پدری بخواهد فرزند خود را به آین دین پیرواند چنان که در برابر خداوند خود را تقصیر کار نداند چه وظایفی را باید انجام دهد؟ و تاکی انجام دهد؟ و مقصود از تربیت دینی چیست؟ و دین در این باره چه نظری دارد؟

باید توجه داشته باشید که وقی سخن از تربیت نسل جوان از دیدگاه دین به میان می‌آوریم، مقصود از دین، فقط کتاب خدا و سنت رسول (ص) نیست، بلکه نظر فیلسوفان و عالمان علم اخلاق اسلامی نیز که بی‌گمان در طول دانشمندان چه اندازه از کتاب خدا و سنت رسول (ص) گرفته شده است و چه مقدار آن‌ای و اجتهاد شخصی ایشان است که از مصلحت‌های اجتماعی زمان ایشان ناشی گردیده است. زیرا از آنچه از کتاب و سنت گرفته شده باشد، باید پیروی کرد اما در آنچه مبنی بر رعایت مصلحت‌های اجتماعی و آدب قومی است می‌توان تصرف نمود؛ زیرا استهای ها و مصلحت‌های هر مردمی به تناسب زمان و مکان و به مقدار تغییر شرایط و اسباب، دستخوش تحول خواهد بود.

دکتر سید جعفر شهیدی